فهرست

[خلاصه بحث قبل 2](#_Toc188885466)

[صورت دوم 2](#_Toc188885467)

[مبحث دوم: تردید بین محرم نسبی و غیرنسبی 2](#_Toc188885468)

[الگوی اول 3](#_Toc188885469)

[صورت سوم از موارد شک 5](#_Toc188885470)

[صورت چهارم 6](#_Toc188885471)

[تصویر مسئله 6](#_Toc188885472)

[بررسی سخن آیت‌الله رنجانی 7](#_Toc188885473)

[توضیح مسئله با توجه به سخن آیت‌الله زنجانی 8](#_Toc188885474)

[انواع تردید در زوجیت 8](#_Toc188885475)

[نوع اول 9](#_Toc188885476)

**موضوع: مبحث نگاه / استثنائات از عدم جواز نظر به اجنبی**

# خلاصه بحث قبل

در موارد شک، بحث دوم در مورد تردید بین این که منظور الیه از محارم است یا غیر محارم بود، فردی را از دور، نزدیک می‌بیند، تشخیص نمی‌دهد این از محارم نسبی اوست یا غیر او از اجنبیات است، به هر دلیلی اشتباه کرده است.

# صورت دوم

صورت اول اشتباه بین رجولت و انوثت بود و اینجا (صورت دوم) بین محرم نسبی و غیر محرم نسبی تردید است. در اینجا ابتدا مبحث ستر و وجوب ستر یا عدم وجوب ستر را بررسی کردیم و عمدتاً ترکیز ما بر استصحاب و تأکید بر این بود که در این مورد پنج صورت وجود دارد و در بعضی از صور استصحاب‌ عدم نعتی وجود دارد غیر از استصحاب‌ عدم ازلی. این نکته جدیدی بود که در جلسه قبل مطرح کردیم.

مبحث دیگر در ذیل این صورت دوم یعنی صورت تردید بین اجنبیه و محرم نسبی نگاه بود. آنجا بحث ستر و کشف بود و بحث دیگر در مورد نظر هست، نظر مرد به زنی که مردد است بین اجنبیه و محرم نسبی.

در اینجا هم طبعاً همان الگوهای پنج‌گانه باید مدنظر قرار بگیرد و اینجا امر دائر بین الگوی اول و پنجم است، یا این است که کسی می‌گوید (ما این را تقریباً ترجیح دادیم و گفتیم اینجا یک اطلاق یا عموم این شکلی وجود دارد که لا یجوز النظر الی المرأه مگر یک استثنائاتی وجود دارد) اگر کسی این را بپذیرد، اینجا الگوی اول پیاده می‌شود و این طور می‌شود لا یجوز النظر الی المرأه الا ان تکون من المحارم. آن وقت مصب استصحاب می‌شود.

در صورت دوم مبحث جلسه قبل و شنبه مبحث ستر و کشف زن در برابر مرد بود که مردد بود که این مرد از محارم است یا از محارم نیست.

# مبحث دوم: تردید بین محرم نسبی و غیرنسبی

اما در مبحث دوم نگاه مرد به زنی که مردد است بین محرم نسبی و غیر نسبی،

در اینجا برای اینکه مصب و محل جریان استصحاب را روشن کنیم، چون در آن سه دلیل بحثی ندارد، دلیل اصلی استصحاب بود برای اینکه موضوع و مصب استصحاب را روشن کنیم باید برگردیم ببینیم از آن پنج الگو کدام اینجا وجود دارد.

چون ملاک و مبنای برای تشخیص محل اجرای استصحاب همان الگوهای پنج‌گانه سابق است. در اینجا حداقل دو الگو از آن پنج‌گانه متصور است؛

## الگوی اول

احتمالاً همان الگوی یک از آن پنج الگو است. این‌طور بود؛ لا تکرم العلماء الا العدول منهم، گفتیم عدل و عادل بودن مصب استصحاب است. اینجا یا در بحث سابق این‌جور بود؛ که لا یجوز النظر الی احدٍ الا المماثل، در اینجا هم باید بگوییم دلیل این‌جور است لا یجوز النظر المرأه الا ان تکون من المحارم، نمی‌شود به زن‌ها نگاه کرد مگر اینکه از محارم باشد که بعید نمی‌دانستیم اطلاقاتی وجود داشته باشد که به زن‌ها نمی‌شود نگاه کرد و استثنائاتی برای آن وجود دارد؛ که یکی از آن استثنائات محرم نسبی است، اگر این را بپذیریم که قبلاً این را بیش از فی‌الجمله، نسبتاً مفصل بحث کردیم و گفتیم که بعید نیست، با ضمیمه ارتکازات اطلاقی داشته باشیم که نگاه به زن‌های دیگر جایز نیست، استثنائاتی دارد، یکی از آن‌ها محرم نسبی است.

مثلاً در معتبره سکونی هست که «لاَ بَأْسَ أَنْ یَنْظُرَ إِلَی شَعْرِ أُمِّهِ أَوْ أُخْتِهِ أَوِ اِبْنَتِهِ»[[1]](#footnote-1) این استثناء از آن است که می‌گوید به زن‌ها نگاه نکند. یا آن روایات تحصیل مرأه‌ای بود که در کاروانی فوت کرده است، سؤال می‌شود حکم آن چیست؟ می‌گوید اگر محرم نیست، آن‌گونه و اگر محرم هست، محرم او را غسل بدهد. اینها ادله‌ای است که در جای خود سابق بررسی شد که استثناء می‌کند محرم نسبی را از آن اطلاقات حرمت جواز نظر.

این یک الگو است که بعید نیست این را در اینجا تمام بدانیم یعنی بگوییم اطلاقات و عموماتی هست که می‌گوید به زن‌های دیگر نمی‌شود نگاه کرد و از آن طرف روایاتی مثل معتبره سکونی یا روایات تغسیل مرأه در سفر، بعد از موت او هست که استثناء کرده است که اگر محرم وجود دار اشکال ندارد، محرم او را غسل بدهد.

می‌گفتیم این ادله لفظیه با آن ارتکازات بعید نیست که افاده اطلاق بکند، اگر کسی آن مبنای ما را بپذیرد، الگوی اول می‌شود. لا یجوز النظر الی المرأه الا ان تکون من المحارم. مصب استصحاب محرم بودن می‌شود.

البته محرم بودن که می‌گوییم این عنوان مشیر است، عنوان مشیر به همان مادر بودن، خواهر بودن، است، این یک عنوان مشیر است که به آن‌ها اشاره دارد، مثل اینکه در قرآن در کشف و ستر گفتیم می‌فرماید **﴿لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا… آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ﴾**[[2]](#footnote-2) غیر از بعولتهنّ که آنجا محرم که می‌گوییم یعنی اینها و الا خود آن عناوین آباء و ابناء در دلیل موضوعیت دارد، محرم یک حکمی است که بر آن‌ها مترتب می‌شود و ما به عنوان مشیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

حتی در روایات تغسیل مرأه که آمده است اگر کسی از محارم باشد، آنجا محارم عنوان مشیر است به همان أباء و ابناء یا مادر و دختر و خواهر و امثال اینها، آن‌ها ملاک است.

بنا بر یک نظر الگو در اینجا همان الگوی یک از پنج الگوی سابق می‌شود و نتیجه آن است که محرم مصب استصحاب می‌شود، آن وقت در محرم باید استصحاب جاری کرد و من تکرار نمی‌کنم، گفتیم بر خلاف آنچه آقایان اینجا سریع عبور کردند، محرم در ستر و کشف عبارت بود از پدر و فرزند و برادر و در اینجا عبارت است از مادر و دختر و خواهر و امثال اینها، چون اینجا نگاه به زن را مطرح می‌کنیم

این الگوی اول است، اگر الگوی اول را بپذیریم و کسی بپذیرد که با انضمام ارتکازات می‌شود اطلاق و عمومی، نه نسبت به همه افراد، نگاه به هر کسی که شامل مرد و خنثی بشود، اطلاق عمومی در مورد زن‌ها تمام شود و محارم هم طبق معتبره سکونی و روایات دیگر استثناء شود. آن وقت الگوی یک می‌شود و مصب استصحاب محرم می‌شود که عنوان مشیر به آن چند عنوان دیگر است.

منتهی در محرم آن سخن سابق ما زنده می‌شود که در محارم سه نوع هستند؛ آنجا در مردها بود می‌گفتیم پدر یک مردی است و فرزند نوع دیگری است و برادر و خال و عم یک نوع دیگری است.

سه قسم می‌کردیم می‌گفتیم در پدر همیشه یک استصحاب‌ عدم نعتی وجود دارد، در پسر هیچ وقت استصحاب‌ عدم نعتی وجود ندارد و سوم در برادر و عم و خال، اصغر و اکبر بودند دخالت دارد، اگر اکبر بود نعتی نیست و اگر اصغر یا هم سن باشند عدم نعتی وجود ندارد و اما اگر این سه گروه اکبر باشند یک‌ عدم نعتی هم در آنجا هست. این سه حالت بود و حالت‌های تردید هم بود که می‌شد حالت‌های چهارم و پنجم می‌شد که آن‌ها باز استصحاب‌ عدم نعتی در آن‌ها تمام نمی‌شد. این حرف جدیدی بود که آن روز راجع به این استثناء در آنجا زدیم.

بعد از پذیرش این مقدمات عین همان اینجا جاری می‌شود، آنجا که نظر مرد به زنی است که مشکوک بین اجنبیه و محرمیت است.

اینجا مصب استصحاب شد برای محرم، حالا محرم برای این مردی که می‌خواهد به زن نگاه کند، سه گروه می‌شود

۱- منظور الیها؛ زنی که احتمال مادر بودن او می‌رود، اینجا استصحاب‌ عدم نعتی هست.

۲- زنی که طرف احتمال، دختر بودن آن مرد است، اینجا استصحاب‌ عدم نعتی نیست.

۳- زنی که خواهر و عمه و خاله است که اینجا تفصیل است؛ بین آن جا که کوچک‌تر و هم سن باشد یا بزرگ‌تر باشد.

آنجا که کوچک‌تر و هم سن باشد استصحاب‌ عدم نعتی نیست و بیشتر باشد استصحاب‌ عدم نعتی هست.

۴- نمی‌تواند بگوید، می‌داند یکی از محارم است، نمی‌داند این است یا آن است، آنجا عدم نعتی نیست.

قانون تفصیل‌ عدم نعتی در چهار صورت عیناً در اینجا هم جاری می‌شود اگر آن مبنا را بپذیریم. اما اگر بگوییم اینجا اطلاق و عمومی نیست بلکه دو دلیل است؛ یک دلیل این است که به اجنبیات نمی‌شود نگاه کرد و یک دلیل می‌گوید به محارم می‌شود نگاه کرد که اگر ما باشیم و روایات تفصیل مرأه در آن کاروانی که به سفر رفته است و زن تنهایی هست و مُرد و سؤال می‌شود چگونه غسل داده شود، ممکن است این استفاده شود؛ می‌گوید اینجا کسی از محارم هست، غسل بدهد و اگر نیست، آن‌جوری که دور تا موضوع می‌شود که اگر این باشد، الگوی پنجم می‌شود.

الگوی پنجم هم بشود باز این چهار صورت تفصیلی که گفتیم مطرح است منتهی هر جا استصحاب‌ عدم نعتی که در دو صورت بود و عدم ازلی که در صور دیگر است، در آنجا معارض پیدا می‌کند اگر کسی‌ عدم ازلی را بپذیرد، معارض پیدا می‌کند.

در صورت پنجم جای تعارض بود و بعد از تعارض دست از استصحاب کوتاه می‌شود به سمت برائت می‌رویم.

منتهی آنچه در مبحث اول و دوم در صورت دوم تأکید کردیم تفتن به آن اقسام خواهر و برادر و مادر و زن و آن سه قسم پایه است که

۱- در یک جایی در مادر و پدر استصحاب‌ عدم نعتی هست.

۲- در دختر و پسر در دو بحث که مقابل هم قرار می‌گیرد، استصحاب‌ عدم نعتی نیست.

۳- خواهر، برادر، عمه، خاله، عمو، دایی و فرزندان اینها، آن سه صورت است که در دو صورت‌ عدم نعتی نیست و در یک صورت‌ عدم نعتی هست. این تفاوت مسئله در اینجا است.

در صورت دوم مثل همه صور چند مبحث وجود دارد؛

۱- نگاه به زن که طرف آن مشکوک است. بین محرم و غیر محرم

۲- نگاه زن به مردی که مشکوک است

۳- بحث ستر زن

۴- بحث ستر مرد

منتهی دو بحث از این چهار بحث که اهمیت داشت را گفتیم، دو تا که بحث کردیم یکی ستر مرأه بود و یکی هم نگاه مرء به زن بود. تا اینجا از این صورت دوم هم به این شکل می‌گذریم.

# صورت سوم از موارد شک

تردید میان اجنبی و محرم رضاعی است، همین چهار مبحث آنجا مطرح می‌شود، نمی‌داند این زن اجنبیه است یا محرم رضاعی اوست که از طریق شیر به او محرم شده است.

بحث ستر و کشف دو مبحث دارد، بحث نظر هم دو مبحث دارد. اینجا عجالتاً نکته خاصی وجود ندارد جز آن قاعده‌ای که می‌گوید ما یحرم بالرضاع یحرم بالنسب، یک دلیل حاکمی است که همه این قواعدی که در باب نسب هست در باب رضاع هم تسری می‌دهد.

آن قاعده را بعضی خیلی عام دانسته‌اند، بعضی متوسط دانسته‌اند و بعضی خیلی محدود تفسیر کرده‌اند، در آن چند نظریه است که در اینجا به آن مراجعه نمی‌کنیم و عمده بحث استصحاب می‌رسد که در اینجا در کثیری از فروض استصحاب‌ عدم نعتی وجود دارد و فرض می‌شود و باید تفصیلاتی داد و باید توجه به این کرد که در ابتدا که تولد پیدا کرده است، رضاع محقق نشده است، رضاع شرعی یک مقدار زمان می‌برد لذا یک سابقه‌ عدم رضاع در اینجا وجود دارد با یک تفاوتی که بین آن چهار صورت وجود دارد.

# صورت چهارم

تردید بین زوج و اجنبی یا زوجه و اجنبیه است، تردید بین اینکه بین او و این شخص علاقه زوجیت فعلیه وجود دارد یا ندارد.

و بر این اساس شک دارد که می‌شود اینجا کشف بکند، یا نمی‌شود، می‌شود نگاه بکند یا نمی‌شود؟ این تردید در زوجیت در موارد غیر نظر و ستر هم پیدا می‌شود که همان ولد شبهه و مجامعت است که در جایی شبهه پیدا می‌کند و آنجا همین بحث است.

اینجا همان مباحث مطرح است به اضافه نکات خاصی که اینجا هست و خواهیم گفت.

## تصویر مسئله

در ستر این است که این خانم، مواجه با کسی شده است که نمی‌داند این برادر شوهر اوست، یا شوهر اوست؟ این مصداق هم پیدا می‌کند. مخصوصاً که دوقلو باشند و شباهت هم داشته باشند، یا در فضای خیلی روشنی است که نمی‌داند برادر شوهر اوست یا شوهر اوست؟ یا اینکه یک اجنبی دیگری است؟ یک اجنبی است یا شوهر اوست؟ نمی‌داند اینجا واجب است ستر یا جایز است ستر؟ یا طرف مرد که در آن حدی که دارد. این دو بحث در ستر و کشف است.

دو بحث و صورت ذیل این صورت در نظر است؛ خانمی اینجا هست که نمی‌داند، خانم خود اوست، یا خواهر خانم اوست یا یک زن اجنبیه دیگری است؟ و بالعکس آنجا که زن می‌خواهد به مرد نگاه کند، حالا فرض متداول‌تر و حساس‌تر بین این چهار صورت، همان نگاه مرد به زن است که مردد بین همسر و غیر همسر است و یکی هم ستر و کشف این زن مقابل یک مردی است که مردد بین شوهر و غیر شوهر اوست. این تردد در زوجیت و عدم زوجیت است که مصداق هم دارد.

در ستر و کشف، اطلاق و عموم آیه روشن است، **﴿لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾** سوره نور، آیه ۳۱، در مورد مبحث کشف و ستر، آیه ملاک است و محور و مصب استصحاب را باید از آیه گرفت؛ آیه می‌فرماید **﴿لَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾** که معنا این است که حداقل اطلاق و عموم آیه این است که ابداء زینت و کشف نکند و ستر انجام دهد، مقابل همه رجال الا اینکه بعل او باشد.

این الگوی اول است که یک اطلاق و عمومی دارد که یجب ستر، الا لبعولتهنّ و مصب استصحاب هم بعل بودن می‌شود، زوج بودن.

در اینجا طبعاً استصحاب‌ عدم نعتی بعل وجود دارد، اینجا کسی استصحاب‌ عدم ازلی را هم قبول نداشته باشد، استصحاب‌ عدم بعلیت را جاری می‌کند.

یا اگر در نظر هم باشد اگر کسی چنین اطلاقی را با آن مقدماتی که می‌گفتیم بپذیرد، آقای زنجانی قبول نداشتند، کسی اطلاق را در نظر بپذیرد می‌گوید نظر مرد به زن‌ها جایز نیست الا اینکه زوجه او و همسر او باشد، اینجا استصحاب‌ عدم زوجیت می‌کند و نتیجه حرمت نظر است.

اما اگر کسی در بعل در نگاه، در ستر عموم اطلاق عموم آن از آیه استفاده می‌شود، خیلی قوی است اما در نظر اگر کسی الگوی یک را پیاده نکند، بگوید دو دلیل وجود دارد؛

۱- یک دلیل می‌گوید نمی‌شود به زن‌های اجنبی نگاه کرد.

۲- یک دلیل هم می‌گوید نگاه به زوجه جایز است.

اگر این را بگوید الگوی پنج می‌شود استصحاب‌ها تعارض می‌کند، اگر استصحاب‌ عدم ازلی را بپذیرد تعارض می‌شود.

اینها حرف جدیدی نیست همان قواعد و الگوها را اینجا اجرا می‌کنید ذیل این صورت چهارم هم آن چهار فرض می‌آید که دو فرض مربوط به ستر و کشف است و دو فرض مربوط به نظر هست، قواعد هم اجرای آن الگوها است و تشخیص مصب استصحاب و توجه به اینکه کجا استصحاب‌ عدم ازلی و عدم نعتی است و اینجا عدم نعتی هم زیاد است.

اینها قواعد تشخیص مسئله است و مصب استصحاب است و اگر استصحاب‌ عدم ازلی یا عدم نعتی جاری شد، طبق آن عمل می‌شود و نتیجه در اینجا حرمت است، نه جواز، چون مصب محرم، بعل و زوجه شد، و اگر استصحاب را نپذیرفتیم و یا دچار تعارض شد سراغ برائت می‌رود.

دقائق دیگری در همه فروض هست که بخواهیم بپردازیم خیلی طولانی می‌شود ولی می‌توانید تشخیص بدهید، این الگوها و قواعد را پیاده بکنید، می‌توانید تشخیص بدهید.

## بررسی سخن آیت‌الله رنجانی

در این صورت چهارم که تردید در زوجیت است مطلب دیگری حضرت آقای زنجانی دارد که باید آن را توجه بکنیم.

آن مطلب این است که ایشان می‌فرماید صور مسئله منحصر در آنچه مدنظر قرار گرفته است و بر اساس آن می‌گوییم استصحاب‌ عدم زوجیت اینجا هست، عدم نعتی، می‌گوید نمی‌داند همسر او هست یا نیست، استصحاب‌ عدم نعتی اینجا وجود دارد، تا اینجا در آن فرضی که ابتدا به ذهن می‌آید یعنی مواجه با خانمی شده است که نمی‌داند خانم اوست یا زن اجنبیه است یا مواجه با مردی شده است نمی‌داند این همسر اوست یا یک اجنبی است؟ استصحاب‌ عدم نعتی هست

اما ایشان می‌فرماید صور دیگری هم اینجا وجود دارد که احکام آن مقداری متفاوت است، یکی از آن صور دیگری که تردد بین شبهی است که نمی‌داند این است یا آن؟ یک صورت دیگری غیر از این اینجا فرض می‌شود و آن صورت این است که این خانم قبلاً همسر او بوده است الان نمی‌داند به خاطر طلاق یا طرو آن چیزهایی که موجب فسخ می‌شود حالت دیگری عارض شده است، یعنی دیگر زن او نیست؟ شک دارد اصلاً طلاق داده است یا نداده است و اینجا هم تردید دارد که می‌تواند نگاه بکند یا خیر؟

اما تردید او به خاطر تردد بین این و آن نیست، همین شخص نمی‌داند زوجیت او باقی است یا طلاق داده است؟ اینجا نمی‌شود گفت استصحاب‌ عدم نعتی و عدم زوجیت هست، اینجا به عکس است و استصحاب زوجیت هست، پس علی الاطلاق شما نفرمایید که در جایی که مردد است بین زوج و اجنبیه یا زوجه و اجنبی، اصل حرمت است، استصحاب‌ عدم زوجیت و عدم بعلیت است. یک صورت دیگری هست که تردید در زوجیت است ولی تردید به این شکل است که این خانم، قطعاً خانم او بوده است منتهی به هر دلیلی تردید دارد که طلاق داده است یا خیر؟ یا عوامل انفساخ عقد حاصل شده است یا خیر؟ همان عواملی که در مباحث نکاح وجود دارد.

اینجا دیگر استصحاب‌ عدم زوجیت نیست، اینجا به عکس است،

صورت دیگر حالت توارد احوال است، فرض کنیم متعه یا دائم، یک بار عقد خوانده است بعد مدت تمام شده است، حالا در متعه اینکه این زمان باقی است یا باقی نیست، شک در مدت دارد، آنجا می‌تواند استصحاب زوجیت کند، ولی حالا در صورت دیگر این است که حالات متفاوت سابقه دارد، هم حالت عقد بوده است و هم حالت فسخ بوده است، دو سه بار عقد خوانده است و طلاق داده است و در آن تردید دارد.

اینجا در توارد احوال متفاوت بحث‌هایی وجود دارد که آیا استصحاب‌ها تعارض می‌کند یا اصلاً وارد نیست، در هر صورت استصحاب در این توارد احوال حجیت ندارد.

پس دو صورت دیگر غیر از آن صورتی که اینجا متصور است وجود دارد، طبق آنچه حضرت آقای زنجانی می‌فرماید.

مجموعاً سه صورت می‌شود؛

۱- صورتی که ما ابتدا به ذهنمان آمد این است که این خانم شبهی دارد و مردد بین دوتاست، اجنبی و همسر.

۲- اینکه خانم او بوده است و نمی‌داند طلاق و فسخ عارض شده است یا نشده است؟

۳- توارد حال و احوال است

که در صورت دوم آنجا استصحاب به عکس است، استصحاب‌ عدم نعتی نیست، استصحاب وجودی است، زوجیت می‌گوید باقی است.

در حالت سوم و صورت سوم هم توارد حالات است و اصلاً استصحاب یا تعارض می‌کند یا وجود ندارد. علی الاختلاف مشارب و المبانی. آن وقت باید سراغ برائت در مشرب متعارفی که وجود دارد رفت.

## توضیح مسئله با توجه به سخن آیت‌الله زنجانی

این فرمایشی است که آقای زنجانی اینجا دارند این فرمایش را کسی بخواهد اشکال بگیرد، مقداری سخت است، برای این توضیحی که می‌دهند، از توضیحات اساسی است، از این نقطه که ایشان فرمودند باید به یک بحث کلی‌تر و اساسی‌تر و جاری در بعضی از فروض دیگر بشویم که خود ایشان این را آنجا نفرمودند درحالی‌که باید بفرمایند.

# انواع تردید در زوجیت

توضیح این است که تردید ما در زوجیت یا حتی در محرمیت یا در مماثلت، این تردید دو نوع کلی است.

## نوع اول

این است که شخص را شبه می‌دانیم و آن مردد است بین دو واقعیت که تکلیف آن کاملاً روشن است، به خاطر تاریکی یا ابهامات تاریکی این شخص را الان اصلاً نمی‌شناسم، این مردد بین الف و باء است که یکی، نظر جایز است و دیگری جایزی نیست.

که این شخص را بشناسم تردید از بین می‌رود، شبهه مصداقیه به خاطر این است که تعیّن و تشخص او را نمی‌دانم، او مردد بین دو شخص است که یکی اجنبی است و یکی زوجه است که اگر این ابهام کنار برود آن دو معلوم است که حکم آن‌ها یست.

این یک حالت است که در این صوری که می‌گوییم همه‌اش این است، یعنی می‌گوییم این شخص شبحی دارد که نمی‌دانیم زن است یا مرد است؟ او را نمی‌شناسد، به این دلیل تردید بین مماثلت و مخالفت، یا بین اجنبی یا محرم بودن، یا بین زوج و غیر زوجه بودن عارض شده است.

یک نوع شک دیگر این است که این شخص را به عینه می‌شناسد، این فلان خانم است نمی‌داند زوجیت او باقی است یا خیر؟ مدت آن باقی است یا تمام شده است، طلاق داده است یا نداده است.

یا در آن مماثلت و مخالفت این آدم را می‌شناسد، منتهی در خنثی بودن و غیر خنثی بودن، تردید دارد که این مماثل است یا مماثل نیست.

در محرم رضاعی هم این‌طور است، در محرم رضاعی یک وقت است می‌داند یک خواهر رضاعی دارد و او را می‌شناسد، اجنبی‌ها هم هستند، در این ابهامی است که نمی‌داند اوست یا دیگری است؟ شبحی است که نمی‌داند این است یا آن دیگری است؟

اما یک وقت خانمی هست و آشنا هست، منتهی نمی‌داند، در کودکی چیزهایی را شنیده است که شیر خورده است یا نخورده است.

عرض ما خدمت آقای زنجانی این است که یک‌باره شما اینجا این بحث را آورده‌اید، عرض ما این است که فروض اینها در آن صورت اول است. یعنی شبحی که مردد بین دو تا است. آن فرض اول است.

شما فرضی را گفتید که فرد را می‌شناسد به دلایلی نمی‌داند که زوجیت آن باقی است یا باقی نیست، این مطمع نظر سید نیست ولی البته یک فرضی است.

ثانیاً این‌جور فرضی که صورت دوم در عرض اخیر ما بود، در خیلی از فروض دیگر هم مطرح می‌شود.

بنابراین اگر بخواهیم موارد تردید را بگوییم خیلی چیزهای دیگر را می‌شود اینجا آورد؛ فعلاً مقسَم سید در اینجا طرو تردید و شک است به خاطر شبح بودن فرد که شخص را درست نمی‌شناسد. مردد بین افرادی است که اگر او را بشناسد، مسئله حل می‌شود

اما آنجایی که در این شخص معین، عللی وجود دارد که تردیدهای در جواز نظر و عدم جواز نظر است، الی ماشاءالله فرض دارد، هم اینجا که شما گفتید فرض‌های دیگری دارد و هم در آن بیست فرض دیگر، این الگوی دیگری که از شک است، انواع و اقسامی دارد.

واقع مسئله این است و کار به عبارت سید نداریم، می‌خواهیم بگوییم این یک نوع شک است که شک شبحی است که تشخص فرد را نمی‌داند.

یک نوع دیگر آن است که تشخص فرد را می‌داند، اوصاف را نمی‌داند، اما این دو باهم فرق دارد

و سخن دیگر این است که این برای اینجا نیست، اگر اشکال بگیرید در آن فروض دیگر هم هست.

1. [عوالي اللئالي، ابن أبي جمهور، ج3، ص315.](http://lib.eshia.ir/11013/3/315/%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%87) [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره نور، آیه ۳۱ [↑](#footnote-ref-2)